بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار جمع كثيری از مردم قم - 19 /دی/ 1379

بسم الله الرّحمن الرّحيم
به همه شما برادران و خواهران عزيز خوشامد عرض مي كنم و تشكر مي كنم از اين كه متحمّل زحمت شديد و از شهر مقدّس قم اين راه را طي كرديد و فضاي حسينيه ما را با انفاس گرم و برخاسته از ايمان و صميميتِ خود معطّر نموديد. از خداوند متعال مسألت مي كنم كه شهداي ارزشمند و پيشرو نوزدهم دي را - كه جزو «سابقون» و «اوّلون» اين راه محسوب مي شوند - مشمول رحمت و مغفرت ويژه خود قرار دهد.
نوزدهم دي يک نقطه درخشنده است ؛ نه فقط در تاريخ قم، بلكه در تاريخ كشور ما و تاريخ انقلاب. جوانان قم، مرد و زن، طلبه و غير طلبه، در اين روز يک پاسخ مؤمنانه و قهرمانانه به نياز زمان دادند. مهم اين است كه هر ملتي، هر شخصي و هر مجموعه اي بتواند به نياز زمانه خود پاسخ دهد. البته مردم قم اوّلين بار در نوزدهم دي نبود كه اين هوشياري و هوشمندي و شجاعت را از خود نشان دادند ؛ هزارودويست سال است كه شهر قم پايگاه اشاعه افكار منوّر اهل بيت عليهم السّلام است. آن وقتي كه حكومتهاي مخالف اهل بيت هم بر سر كار بودند، مردم قم اين موضع را حفظ كردند و اگر سختيهايي هم داشت، آن را تحمّل كردند. هفتاد سال هم هست كه قم مركز و پايتخت فكري و علمي دنياي اسلام است. از زمان ورود مرحوم آيةالله حائري به قم - سال 1340 قمري - اين شهر به مركز اصلي علمي عالم اسلام و تشيّع تبديل شد و بعد در زمان مرحوم آية الله بروجردي به اوج خود رسيد ؛ و محصول آن دوره ها پيدايش شخصيت عظيم القدر و كم نظيري مثل امام بزرگوار بود. اين سابقه درخشان براي قم وجود دارد كه هميشه به نياز زمان پاسخ گفته است. نوزدهم دي هم از اين قبيل بود.
اشكال كار ملتها و اشخاصي كه توسري خور زمانه باقي مي مانند و مغلوب حوادث دوران خود مي شوند، اين است كه زمان و جريانات خود را نمي شناسند ؛ آنچه را كه اقتضاء و نياز زمان است، درک نمي كنند ؛ اگر هم درک مي كنند، گاهي شجاعت ابراز آن را ندارند. لذا زمانه و عوامل مخالف و معاند بر آنها غلبه مي كند.
اگر مردم قم در نوزدهم ديماه سال 1356 قيام نمي كردند و آن حوادث عظيم را پي درپي به وجود نمي آوردند، احتمالاً حوادث به سمت و سوي ديگري مي رفت ؛ اما آنها ابتكار به خرج دادند و مرد و زن و جوان و پير و روحاني و غير روحاني، در اين حركت سهيم شدند ؛ هرچند نقطه اصلي ثقل اين كار بر دوش جوانها بود ؛ چون فطرت پاک و پايبند نبودن به تعلّقات مادي، جوان را راحت تر به وسط ميدانِ انجام وظيفه مي بَرَد. همه ملت ايران در دوران انقلاب، اين منش و كار بزرگ را نشان دادند ؛ يكي زودتر، يكي ديرتر ؛ اما جلوتر از همه قم بود. نتيجه اين شد كه دژ تسخيرناپذيري كه دربست در اختيار دشمنان ملت ايران و غارتگران و زورگويان و راهزنان بين المللي بود - دژ حكومت ايران - به وسيله مردم از دست آنها خارج شد و مردم آن را فتح كردند.
گاهي بعضي افراد دژي را فتح مي كنند، ليكن به سرعت آن را از دست مي دهند. در ميان جمع حاضر يقيناً عدّه زيادي در جنگ تحميلي حضور داشتند و ديده اند كه گاهي انسان يک دژ را، يک منطقه را، يک شهر را، يک روستا را مي گيرد ؛ اما در نگهداري آن غفلت مي كند. يعني اوّل انگيزه دارد، اما بعد انگيزه خود را از دست مي دهد ؛ دشمن هم بدون درنگ مجدداً حمله مي كند - به اصطلاح نظاميها، پاتک مي كند - و آنچه را كه با زحمت، جانفشاني، انگيزه و ايمان از او گرفته شده، پس مي گيرد. هنر ملت ايران تا امروز اين بوده كه پاتک دشمن را در همه جا خنثي كرده است. نه اين كه دشمن نمي خواسته پاتک كند ؛ دشمن هميشه درصدد ضربه زدن به ما بوده است.
دشمن كيست؟ هر كس كه با حاكميت نظام مستقل مردمي ديني مخالف است، دشمن است. طمع ورزان، غارتگران، سودجويان، زراندوزان، زورگويان، وابستگان، مايلين به فساد و كساني كه از حاكميت فرهنگ ديني زيان شخصي مي بينند، دشمنند. البته در رأس اينها دشمنان خارجي هستند كه بيش از همه ضرر ديده اند. امريكا بيش از همه از تشكيل حكومت اسلامي خسارت ديد و هنوز هم مي بيند - آنها جلوتر از همه اند - صهيونيستها همين طور، كمپانيهاي بزرگ جهاني همين طور، بي بندوبارهاي گوناگون در بخشهاي مختلف همين طور، كيسه دوخته هاي براي

ثروت ملي همين طور. همه ي اينها دشمنند.
درجات دشمن، مختلف است ؛ ولي در مجموع، يک جبهه دشمن به وجود آمده است. اين جبهه مرتّب از اوّل انقلاب سعي کرده اين قلعه را پس بگيرد. هدف اين است که حکومت مردمي ديني متّکي به ايمان و عشق و اراده مردم - که امروز در ايران وجود دارد - به يک حکومت وابسته انحصاري تبديل شود که امريکا راحت بتواند با آن مذاکره کند ؛ به آن امتياز شخصي بدهد و از آن امتياز بگيرد. اما امروز نمي توانند اين کار را بکنند.
آن گروهان يا گردان يا لشکر سربازي که در جبهه جنگ، قلعه و دژي را فتح مي کند و بعد دچار غفلت مي شود، اين غفلت از کجا حاصل مي شود؟ عواملي وجود دارد که اين غفلت را به وجود مي آورد. اوّلين عامل، بي انگيزگي، ضعيف شدن انگيزه و غيرت، ضعيف شدن ايمان و ضعيف شدن همبستگي و شجاعت است. براي اين که در انقلاب و نظام اسلامي، جبهه عظيم مردمي را دچار انفعال کنند، همين عوامل به وسيله دشمن تزريق مي شود.
مي دانند که جنگ نظامي علاج کار ايران نيست ؛ چون مردم را متّحدتر مي کند ؛ لذا از راه ديگري وارد مي شوند. اين که من اين قدر روي مسأله فرهنگ و فضاي فرهنگي کشور تکيه و تأکيد مي کنم، به خاطر اين است. در سفر دو سه ماه قبل به قم، يک بار ديگر به شما مردم عزيز قم اين نکته را عرض کردم ؛ الان هم عرض مي کنم ؛ چون اساس کار اين است. وقتي محيط زيستِ جسماني آلوده مي شود، همه احساس خطر مي کنند و هشدار مي دهند - مثلاً مي گويند آلاينده هاي هواي تهران يا فلان شهر ديگر اين قدر زياد شد - البته اين آلاينده ها مضرّ است و تنفّس مردم در اين فضا، به زيان جسم آنها، ريه، خون و اعصاب آنها تمام مي شود ؛ اين درست ؛ اما محيط زيست فرهنگي چه؟ آيا محيط زيست فرهنگي اهميت ندارد؟ جوان مسلمان در محيطي رشد کند که در آن، انواع و اقسام تحريک به شهوت، تحريک به فساد، تشويق به بيکارگي و بي عاري، تشويق به اعتياد و گرفتاريهاي گوناگون، تشويق به وابستگي سياسي و فرهنگي به بيگانگان موج بزند و در اين فضاي فرهنگي معلّق باشد. آيا اين براي کسي که در فضاي فرهنگي کشور تنفّس مي کند، مضر نيست؟
چه عاملي براي دشمن - همان جبهه دشمني که گفتم ؛ هر کس هست - بهتر از اين است که در داخل جامعه اسلامي، مردم و جوانها بالاخره به اين نتيجه برسند که چرا بايد با کيسه دوخته هاي خارجي که مي خواهند منابع ايران را غارت کنند، مخالف باشند؟! نخير، بفرمايند تشريف بياورند ؛ حکومت را خودشان تنظيم کنند ؛ اداره امور را خودشان به عهده بگيرند ؛ از منابع هم هرچه مي خواهند، ببرند ؛ لطف کنند فقط چيزي به ما بدهند تا بخوريم و گرسنه نمانيم! همچنان که در دوران قبل از انقلاب اين گونه بود. البته آن جا اين قسمت آخر ديگر نبود که «بدهيم بخورند تا گرسنه نمانند» ؛ نخير، گرسنگي و فقر و ناتواني و بي خوني عمومي ملت بيداد مي کرد. اگر اين فکر را در بين مردم ترويج کنند و به صورت يک باور درآورند، آيا خطري براي يک ملت بالاتر از اين هست؟
اسلام، ملت و جوانهاي ما را بيدار کرد. اسلام، اوّلاً نشان داد که اگر ملت اراده کند روي پاي خود بايستد و امور خود را اصلاح کند، مي تواند ؛ ثانياً چشم مردم را هم باز کرد تا بفهمند کساني که بر سرنوشت کشور حاکمند، از مردم منقطع و جدايند. اين را مردم حس کردند و ديدند. کسي که مي خواهد حکومت کند، يا بايد به مردم متّکي باشد، يا بايد به بيگانه متّکي باشد، يا بايد به زورگويي و شمشير خود متّکي باشد. آنها به مردم که متّکي نبودند، به بيگانه متّکي بودند ؛ بيگانه هم به آنها کمک مي کرد که به زور و شمشير متّکي باشند. نظام اسلامي آمد و همه اين بساط را به هم زد. امروز نظام اسلامي و حکومت اسلامي به معناي واقعي کلمه متّکي به مردم و مباني اسلامي است. ما ادّعا نمي کنيم که احکام اسلامي پياده شده است ؛ نه، بسياري از احکام اسلامي، هنوز مانده است تا پياده شود ؛ ليکن چه کسي مي تواند پياده کند؟ کسي که مؤمن به اسلام و متّکي به مردم باشد. بنابراين، حرکت، حرکتِ درستي است.
دشمن با تبليغات خود سعي مي کند فضاي سياسي را مسموم کند. امروز حکومت امريکا و مرتجعترين و فاسدترين دولتها و حکومتها راحت مي نشينند و با صميميت با هم حرف مي زنند و هيچ شکايتي هم از يکديگر ندارند - از قبيل حکومت فاسد پهلوي در گذشته، و امروز هم بعضي از حکومتهاي ديگر - اما همينها ملت و حکومت ايران را که در تکيه به آراء مردم، از همه کشورهاي اين منطقه - بلکه از اغلب کشورهاي دنيا - جلوتر است، به نقض موازين

دمكراسي متهم مي كنند! دمكراسي چيست؟ دمكراسي يعني تكيه به آراء مردم؟ نه ؛ انتخابات اخير امريكا نشان داد كه اين گونه نيست. در ايران مردم سالاري واقعي وجود دارد. در بيست و يكي دو سال بعد از انقلاب، به طور متوسط هر سال يک انتخابات در اين كشور واقع شده است و مردم در همه امور كشور دخالت كرده اند. درعين حال ايران را به نقض حقوق بشر متهم مي كنند! امروز زشت ترين نقض حقوق بشر به وسيله همين قدرتهاي مستكبر جهاني و دنباله ها و ايادي و همپيمانانشان در دنيا اتفاق مي افتد ؛ خودشان هم در همه كارهايي كه برايشان پيش مي آيد، از نقض حقوق بشر ابايي ندارند! هدف آنها از تهمت و بدگويي نسبت به ما چيست؟ هدف همين است كه فضاي فكري و فرهنگي و سياسي كشور را مسموم كنند تا هر كس در اين فضا تنفّس مي كند، ذهن و فكرش مسموم شود.
آنچه كه امروز بر دوش همه مردم است - و در درجه اوّل بر دوش مسؤولان و دولتمردان و نمايندگان مجلس و علما و خطبا و مسؤولان بلندپايه دولتي - اين است كه تشخيص دهند و بدانند كه اين نظام اسلامي، همچنان كه در آغاز ولادت خود با سرسخت ترين و وحشي ترين دشمنان مواجه بود، در ادامه كار خود هم با همان دشمنان روبه روست.
از مسؤولان كشور - چه دولت، چه قوّه قضايّيه، چه نمايندگان مجلس - هيچ گونه حرف و عملي صادر نشود كه گرايش به اين دشمنِ غدّار را نشان دهد ؛ هشيار باشند. مبادا مسؤولي - چه مسؤول فرهنگي، چه مسؤول اقتصادي، چه مسؤول سياسي، چه در قوّه مقننه، چه در قوّه مجريّه، چه در قوّه قضايّيه - حرفي بزند، موضعگيري اي كند و عملي انجام دهد كه به نفع دشمن تمام شود. دشمن بيدار است ؛ شما هم بايد بيدار باشيد.
مردم بايد رفتار مسؤولان، دولتمردان، برگزيدگان و كساني را كه در جامعه اثرگذار هستند، زير نظر داشته باشند.
خطاست اگر خيال كنيم كه ما مسؤوليت را به دست كساني سپرده ايم و آنها مسؤولند ؛ پس برويم مشغول كار و زندگي خودمان باشيم و به كار آنها كاري نداشته باشيم ؛ نخير، اگر اين طور شد، ملت ضرر خواهد كرد ؛ اگر غفلت واقع شد، حوادث غلبه خواهد كرد.
كار درست و بجا، آن چيزي است كه پاسخ نياز زمان است. امروز نياز زمانه در درجه اوّل، هوشياري و بيداري و آگاهي و حفظ جرأت و قدرت اقدام است ؛ در آن جايي كه اقدام لازم است. مسؤولان نبايد از اقدام به كارهاي بزرگي كه براي كشور لازم است ؛ بترسند. به پشتوانه و امداد مردم، به كمک اين افكار عمومي و اين علقه و ارتباطي كه بين مردم و مسؤولان وجود دارد، مي توانند كارهاي بزرگ را انجام دهند.
هرجايي كه اين جرأت همراه با ايمان بود، ما پيشرفت داشته ايم. نهادهاي انقلابي اين گونه بودند. نهادهاي انقلابي به خاطر اتكاي به نفس، به خاطر جرأت در اقدام، به خاطر توكل به خدا، به خاطر باور به نيروي ذاتي خود، در هرجا وارد شده اند، توانسته اند كار خوب انجام دهند. نيروهاي مؤمني كه در ميدان دفاع هشت ساله، آن همه ابتكار به خرج دادند - چه سپاه پاسداران، چه نيروهاي مؤمن ارتش، چه اين بسيج عظيم مردمي - كارهاي معجزه آسايي كردند. جهاد سازندگي نيز همين طور است. البته جهاد سازندگي با وزارت كشاورزي ادغام شده است ؛ اما توقّع و انتظار اين است كه همان خصوصيات مثبت و قوي، همان تكيه به نيروي ذاتي خود - كه يقيناً نيروهاي مؤمن و متعهد وزارت سابق كشاورزي هم از آن استقبال مي كنند - همان روحيه اي كه جهاد سازندگي را به وجود آورد، اين وزارت جديد را - كه وزارت جهاد كشاورزي است - شكل دهد تا بتواند مشكلات كشاورزي، مشكلات روستاها، مشكلات صنايع جنبي در روستاها و مشكل مهاجرت را حل كند. در همه بخشها - چه بخشهاي اقتصادي، چه بخشهاي فرهنگي - آن چيزي كه مي تواند گره ها را باز كند، حضور عناصر مؤمن، عازم، خودباور، متّكي به خدا و معتقد به مردم در رأس كار است. همينها مي توانند مشكلات اقتصادي را هم برطرف كنند. هرجا مشكلي براي ما باقي مانده، به خاطر اين است كه خودباوري و اتكاي به خدا و باور ايمان و محبت مردم در آن جا ضعيف شده است.
مسؤولان - چه در مجلس و چه در دولت - نبايد بگذارند اين باورها در بخشهاي فرهنگي و اقتصادي ضعيف شود.
عزيزان من! مردم شجاع و هوشيار و آگاه قم! جوانان پيشرو قم! به شما عرض كنم، امروز زمام كار از دست قدرتهاي بزرگ خارج شده است. علي رغم همه تلاش متمركزي كه عليه اسلام و موج اسلامي و خيزش اسلامي مي كنند - چه در آسيا و چه در آفريقا - اين موج اسلامي و بيداري اسلامي همين طور روزبه روز گسترش پيدا مي كند و آنها ديگر نمي توانند كاري بكنند. اين به بركت انقلاب و قيام مردانه و مؤمنانه و شجاعانه شماست. يک نمونه اش همين

انتفاضه فلسطين است كه زمام اين كار از دست قدرتهاي بزرگ خارج شده است. ملت فلسطين، يک ملت محاصره شده در خيابانها و شهرهاي خودش است كه با وحشي ترين دشمنها مواجه است. آن جا هر سربازي، دشمن آن فلسطيني است ؛ اين طور نيست كه سرباز از خود آنها باشد تا بتوانند با عواطف و با محبت و با گل دادن و گل گرفتن، مشكل را حل كنند ؛ خود آن سرباز، دشمن شخصي آن جوان فلسطيني انتفاضه كننده است. چنين مردمي در يک فضاي بسته، با اين همه مشكلات گوناگون اقتصادي، با اين همه خسارتها و شهادتها، ايستاده اند و عقب نشيني نكرده اند. اين نشان دهنده چيست؟ نشان دهنده اين است كه رشته كار از دست قدرتمندانِ زورگوي گنده گو خارج شده است.

شما ملت عزيز ايران در محور و مركز اصلي اين حركت عظيم جهاني قرار گرفته ايد. آنها به شما نگاه مي كنند و حرفها و شعارها و كارهاي شما را تقليد مي كنند و ياد مي گيرند. توكل خودتان به خدا را حفظ كنيد ؛ شجاعت و قدرت اقدام را در خودتان حفظ كنيد ؛ بيداري و عدم غفلت را - كه امروز بحمدالله در ملت ايران وجود دارد - در خودتان حفظ كنيد ؛ پيوند و اتصال ميان خودتان و ميان ملت و مسؤولان را حفظ كنيد. بدانيد كه خداي متعال نصرت خود را بر شما خواهد فرستاد و به فضل پروردگار، بيني متجاوز و طمعكار و غارتگر را به خاک خواهد ماليد.

والسّلام عليكم و رحمةالله و بركاته